

یکشنبه دوم بهمن ماه ۱۴۰۱

نشست دوازدهم؛ سال دوم؛ فقه هنر؛

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد و آله الطاهرين

اللهم كن لوليک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و علی آباءه فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیا وحافظا و قائدا و ناصرا و دلیلا و عینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا

### تحقیق در باره رقص و ترقیص و... تکلیفا و وضعاً

ادله ای که تاکنون برخی می آوردند این بود که رقص و ترقیص و .. لهو است و هر لهوی هم حرام است پس این ها حرام است!

بحث این است که کبرا مناقشه دارد و آن، این که لیس هر لهوی بحرام .....

اگر این کارها حرفه شخصی شود برای مجالس لهو و لعب...مثلا یک گروهی اند؛ شایدموزیکال به این ها گفته می شود در این ها خواننده رقص هست ممکن است کسی هم برای دست زدن و کف زدن ببرند به هر حال ممکن است این کار بشود حرفه شخص، و نهایتا بشود یک بسته....

الصفق لیس بحرام فی نفسه الا اذا تعتریه الطواری المحرمة

این جا دو نکته مهم هست: یک نکته بحثی است که سال قبل با شما داشتیم و آن این که اگر عوارض بیاید، آن عوارض حرام است یا عوارض واسطه در ثبوت در عروض حرمت در خود همین پدیده است؟

مثلا اگر فقیهی گفت که در مسجد، دست زدن حرام است، چون هتک مسجد است، باز این جا هتک مسجد حرام شده نه دست زدن، یا ... نه ... بگوییم چون دست زدن مصداق هتک است، خود دست زدن حرام است... که در واقع هتک می شود واسطه در ثبوت حرمت برای خود دست زدن ....

البته اگر یادتان باشد ما از این بیان دفاع نکردیم.. و همیشه هم می گوییم این بحث مهمی است که عوارض ثانوی اگر عارض یک پدیده شدند، خود آن عارضه حرام است...

و الا این پدیده حرام نیست..

و الا اگر دریک مجلسی کسی مدعی شود چون مجلس شادی است دستی هم زده شود، چه اشکال دارد؟!

این عروض عوارض باید مشخص شود که واسطه در عروض اند نه واسطه در ثبوت ..

و لذا آن که حرام است همان عنوان محرم است ...

باید گفت این تصفیق حرام است؛ تصفیقی که موجب محرمی هست به اعتبار آن محرم حرام است ...

نکته دوم : این که گاه پشت میز در فیضیه یا جای دیگر نشسته ایم! و می گوئیم فلان چیز جایز است مگر عنوان ثانوی داشته باشد، گاهی وقتها مساله از دست زدن و... بسیار فراتر است... مسائل سیاسی یا ارتباط با کفار.... کاندید شدن زنها در مجلس یا شورای شهر یا... این ها حرام نیست مگر این که عنوان ثانوی داشته باشد.

زنان در پست های کلیدی قرار گیرند ، رییس دانشگاه... رییس مجلس و.. مگر این که عنوان ثانوی پیدا کند ما این ها را پشت میز می گوئیم.... اما این ها در خارج که می آید،..... داستان از این به بعد چه می شود؟

تازه این سوال کلی است و موردی آن هم جداگانه بحث دارد؟

یکی از آقایان در بحث رقص ، میگوید رقصی که باعث اضلال یا اذلال باشد.... بعدا هم مردم او را نشان دهند و بگویند این فرد همان رقص دهه... است.

این جا ، جای کار هست که کسی بیاید و وقتی قرار دهد و در قالب پایان نامه و یا مقاله کار کند: روش شناسی تشخیص عناوین ثانوی و نهاد مسئول

باید دید عناوین ثانوی واسطه در عروض است یا واسطه در ثبوت است ...

واما بحث رقص

در تتبع از منع مطلق داشتیم تا جواز مطلق... و این وسط هم بودند افرادی که مانع تراشی کنند ...

من چهار دلیل پیدا کردم برای حرمت رقص و پنجمی را هم پیدا نکردم ...

یکی این که لهو و لعب است (انه من لهو و لعب )

الرقص لهو و لعب و کل لعب و لهو حرام و کل رقص حرام

دوم : راویت سکونی است از امام صادق که ایشان فرمودند: قال رسول الله صلى الله عليه و آله : انهاكم عن الذفن و المزمار و عن الكوبات و الكبرات و الذفن الرقص ...

روایت بعدی از سلیمان بن بلال از امام علیه السلام از آباء ایشان :

علامه مجلسی حدیثی را از امام رضا(ع) از پدرش از امام صادق(ع) و او هم از پدران بزرگوارش نقل می کند:

ان ابليس كان يأتي الانبياء عليهم السلام من لدن آدم عليه السلام إلى أن بعث الله المسيح(ع) يتحدث عندهم ويسألهم ولم يكن بأحد منهم أشد أنساً منه يحيى بن زكريا عليهما السلام فقال له يحيى: يا أبا مرة ان لي إليك حاجة فقال له: انت اعظم قدراً من ان اردك بمسألة فاسألني ما شئت ... فقال يحيى: يا أبامرة احب أن تعرض على مصائدك فخوخك التي تصطاد بها بني آدم فقال له ابليس: حباً وكرامةً فتمثل. فإذا وجهه صورة وجه القرد إلى أن قال. وببده جرس عظيم فقال: ما هذا الجرس الذي بيدك؟ قال: هذا مجمع كل لذة من طنبور و بربط و معزفة و طبل و ناي و صرناي، وان القوم ليجلسون على شرابهم فلا

يَسْتَلْذَوْنَهُ فَأَحْرَكَ الْجُرْسَ فِيمَا بَيْنَهُمْ فَإِذَا سَمِعُوهُ «اسْتَخْفَهُمِ الطَّرْبُ فَمِنْ بَيْنِ مَنْ يَرْقُصُ وَمِنْ بَيْنِ مَنْ يُفْرِقُ أَصَابِعَهُ وَبَيْنِ مَنْ يَشُقُّ ثِيَابَهُ ...»

....

و بالاخره مرسله عوالی اللثالی ....

برخی آمده اند و مدعی شده اند که این روایات ، دلالتش بر حرمت رقص واضح است.

و لذا حکم میشود به حرمت مطلق رقص و فرق هم نمی کند... وایشان چون بعد آقای خوپی است می گوید من از آقای خوپی تعجب میکنم که چرا رقص زوجه را برای شوهرش استثنا کرده است

آقای خوپی می گوید: و يجوز للرجل ان يستمتع بزوجه حيث شاء....

و می تواند یکی از مصادیق این استمتاع همین رقص باشد ...

این روایات ، مرسله عوالی که مرسله است و روایتی که بخواهد مستند باشد باید دلالتش تمام باشد ...

نهی رسول الله عن الضرب بالدف و الرقص ...

این روایت چندمشکل دارد ...

کلا روایاتی که هست که پیامبر از فلان چیز نهی کرد ... یک دفعه مثل امام صادق می گویند نهی ما چیزی نمی گوئیم ... ما روی چشم می گذاریم ....

ما یک موقع روایتی داریم که می گوید امر رسول الله .. یا نهی رسول الله .. مثل روایت سکونی ...

ولی اگر غیر معصوم بگوید نهی رسول الله ما نمی دانیم صیغه پیغمبر چه بوده است...

شاید صیغه ای را که پیامبر به کار برده اند لا ینبغی بوده است ؛ این راوی برداشت نهی کرده است چون عین کلام پیامبر را که نیاورده است ..

لذا گزاره کلی این می شود: هر جا غیر حجت حکایت از قول معصوم کند که احتمال بدهیم که اجتهاد در آن راه داشته است، ما به آن روایات فتوا نمیدهیم .

حتی کسانی مثل زراره هم بگوید نهی رسول الله ... ممکن است از اجتهادات شخصی خودش باشد که گفته و لذا مبنا قرار نمی گیرد.